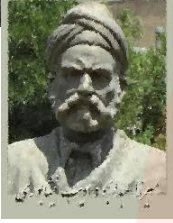
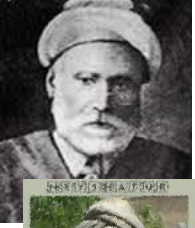


عبدالجواد بجنگروی معروف به ایوب نیشابوری (ایوب اول- یکم)، ادب شناس، شاعر، محقق،



مدرس و اندیشمند معروف دوره مشروطیت است. ایوب به دوزبان فارسی و عربی شعر سروده است.

در تاریخ ادبیات صد و پنجاه سال اخیر نیشابور دو نفر معروف به ایوب بودند: یکی میرزا عبدالجواد بجنگروی

معروف به ایوب اول، و دیگری شیخ محمد تقی ایوب نیشابوری معروف به ایوب دوم و متخلص به راموز

که ساگرد ایوب اول بوده است.

پروفور حسین صادقی پنجم بهمن ۱۳۰۸ در خانواده ای ادب دوست در روستای چکنه بخش



سرولایت شهرستان نیشابور به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و در مدرسه ای آغاز



نمود که توسط پدر ایشان تاسیس یافته بود. صادقی در سال ۱۳۲۹ در آزمون های مرسوم آن زمان



جهت ورود به دانشگاه شرکت کرد، و موفق گردید در گنگور دانشگاه های پزشکی، فزیک و اعزام به

خارج پذیرفته شود پس از آن جهت ادامه تحصیل راهی سوئیس گردید، تا اینکه در سال ۱۳۲۶



دکترای پزشکی خود را از دانشگاه پزشکی لوزان دریافت داشت. سپس جهت اخذ تخصص عازم

آمریکا گردید و توانست در سال ۱۳۴۲ بوردا تخصصی جراحی عمومی و فوق تخصص جراحی قلب و

ریه را از دانشگاه های معتبر ایالات متحده آمریکا دریافت دارد.

www.mydunia.com

مشاهیر نیشابور (ویکی پدیا)

چشمه‌های خروشان تورامی شناسند

موج‌های پریشان تورامی شناسند

پرسش‌گشنگی راتو آبی، جوانی

ریک‌های بیابان تورامی شناسند

نام تور خست رویش است و طراوت

زین سبب برگ و باران تورامی شناسند

هم تو گل‌های این بهم تمام شهیدان تورامی شناسند

از نشا‌بور بر موجی از «لا» گذشتی

ای که امواج طوفان تورامی شناسند

کاش من هم عبور تو را دیده بودم

کوچه‌های خراسان تورامی شناسند



۱ هم خانواده کلمات زیر را بنویسید.

سعید:

عطار:

فقیه:

۲ معنای شعر زیر را بنویسید.

از نشابور بر موجی از «لا» گذشتی ای که امواج طوفان تو را می‌شناسند

۳ دو نمونه از اسم مشتق ، مشتق مرکب و مرکب یافته و بنویسید.

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

ابوحزوه عبدالرحمان محمد بن ابراهیم نیشابوری، از صوفیان و عارفان ایرانی در سده سوم هجری بود. کتابی به نام

«المنتین امن السیاح والعباد والمتصوفین» از او به جای مانده است. او در اوایل جوانی برای طلب دانش با از زادگاهش

نیشابور به عراق سفر کرد. او در بغداد ساکن شد و با مشایخ همچون: جنید بغدادی، ابوتراب نخعی و ابوسعید خراسانی هم صحبت

شد. جامی درباره او نوشته است: ابوحزوه از جوانان مشایخ بود و در وجود و صحت حال، مانند داشت.

عبدالملک بن عبدالله بن یوسف جوینی مشهور به امام الحرمین جوینی متکلم، دانشمند و فقیه مسلمان شافعی مذهب،

از مدرسین معروف نظامیه نیشابور بود. او ساگردانی بسیاری را درس داد.

رضی الدین ابو جعفر محمد نیشابوری دانشمند، فقیه، عارف و شاعر در قرن ششم قمری بوده است. تخلص

وی ربی است. مورخان از ویژگی کلاس های درس وی، زیادی ساگردان نوشته اند.

محمد حسن فرحجشیان معروف به ژولیده نیشابوری (زاده سال ۱۳۲۰ - درگذشته ۱۹ مهر ۱۳۸۶) شاعر اهل نیشابور بود.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

ابوالوفاء محمد بوزجانی ریاضیدان و منجم بزرگ ایرانی است در دوران طلایی اسلام بوده است. وی در تاریخ ۲۱ خرداد

۳۱۹ هجری شمسی در شهر تاریخی بوزجان از توابع شهرستان تربت جام در استان خراسان رضوی بدنیا آمد. او تحصیلات ریاضی خود را نزد خانواده آموخت و به نیشابور رفت. پس در سال ۳۴۸ به عراق که در آن زمان پایتخت خلافت شرقی بود، سفر کرد و تا پایان عمرش در آنجا زندگی کرد. در عراق بصورت آخرین نماینده برجسته مکتب ریاضی- نجومی درآمد و به تالیف کتاب‌های مهم خود پرداخت و با همکاری‌اش در رصدخانه بغداد به رصد مشغول شد.

فریدالدین ابو حامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحاق عطار کدکنی

نیشابوری مشهور به عطار نیشابوری (زاده ۵۴۰ در کدکن - درگذشته ۶۱۸

هجری قمری در سادینخ نیشابور) یکی از عارفان و شاعران ایرانی تبار بلند نام

ادبیات فارسی در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم است. او در سال

۵۴۰ هجری برابر با ۱۱۴۶ میلادی در کدکن زاده شد.

مرا از شاعری خود عارفانید که تا صد قرن چون عطار ناید



www.my-dars.ir

کم شدم در خود چنان کز خویش ناپیداشدم شب‌نمی بودم ز دیاغرقه در یاشدم

سایه ای بودم ز اول بر زمین افتاده خوار راست کان خورشید پیداکشت ناپیداشدم

ز آمدن بس بی نشان و ز شدن بی خبر کویایک دم بر آمد کادم من یاشدم

نه مپرس از من سخن زیرا که چون پروانه ای در فروغ شمع روی دوست ناپرواشدم

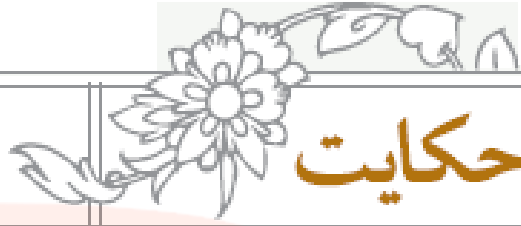
دره عشقش قدم در نه اگر باداشی لاجرم در عشق هم نادان و هم داناشدم

چون همه تن می بایست بود و کورکشت این عیاب من که چون مینای ناپیناشدم

حاک بر فرقم اگر یک ذره دارم آگهی تا کجاست آنجا که من سرکشته دل آنجا شدم

چون دل عطار بیرون دیدم از هر دو جهان من ز تاثیر دل او بیدل و شیدا شدم





«جنید» را در بصره میدی بود. روزی در خلوت، اندیشه کنایه‌ی کرد و در آینه نگر است و روی خود سیاه دید. متحیر شد. هر حیل که کرد، سود نداشت. از شرم، روی به کس ننمود. چون سه روز بر آمد، آن سیاهی پاره پاره کم شد. ناگاه یکی در زد. گفت: «کیست؟» گفت: «از جنید نامه آورده ام.»

نامه بر خواند. نوشته بود: «چرا در حضرت عزت با ادب نباشی؟ سه شبانه روز است که گازی (شست و شو) می کنم تا سیاهی رویت به سپیدی بدل شود!»



نیشابور، مرکز شهرستان نیشابور و یکی از شهرهای مهم و بزرگترین شهر خراسان بزرگ و استان خراسان رضوی است که در دامنه کوه بینالود قرار گرفته است. نیشابور از مهم‌ترین مراکز جمعیتی، فرهنگی، گردشگری، صنعتی و تاریخی شمال شرق ایران به شمار می‌آید و به عنوان یکی از نمادهای تاریخ و فرهنگ ایران مطرح شده است. بیشتر مردم شهر نیشابور به فارسی با گویش نیشابوری سخن می‌گویند. این گویش شامل واژگان فارسی دری و پهلوی است که با لهجه نیشابوری بیان می‌شود.

ابوسعید فضل‌الدین احمد بن محمد بن ابراهیم (ابوسعید فضل‌الدین ابوالخیر احمد)



مشهور به ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷-۴۴۰ قمری) عارف و شاعر نامدار ایرانی تبار قرن چهارم و پنجم است.

ابوسعید ابوالخیر در میان عارفان مقامی بسیار ممتاز و استثنایی دارد و نام او با عرفان و شعر آمیختگی عمیقی یافته است.

چندان که در بخش مهمی از شعر پارسی بهره او در کنار مولوی و خیام قرار می‌گیرد، بی آنکه خود شعر خدانی سروده باشد. در تاریخ اندیشه‌های عرفانی در صدر ممتکران این قلمرو پهناور در کنار حلاج، یازید بطامی و ابوالحسن خرقانی به



شمار می‌رود. همان کسانی که سرور دی آنها را ادامه دهندگان فلسفه باستان و تداوم حکمت

خسروانی می‌خوانند. از دوران کودکی نبوغ و استعداد او بر افراد آگاه پنهان نبوده است.

از دوران کودکی نبوغ و استعداد او بر افراد آگاه پنهان نبوده است.

از دوران کودکی نبوغ و استعداد او بر افراد آگاه پنهان نبوده است.